

تهران، شهر فردا

ملاحظه کردید که تهران، پیش از آنکه پایتخت بشود، ابتدا به صورت تفرقه و بعد به صورت قصبه و سپس شهر، وجود داشته و مردم آن در زیر زمین مخفی می شده اند، یا بادیگران یا با خودشان جنگ و ستیز داشته اند. میوه های اعلایان و انواع و اقسام و به حد و قور داشته، باغ های وسیع و متعدد داشته، آنقدر در این شهر چنار به چشم می خورد که آن سیاح خارجی معتقد شده باید اسمش را چنارستان گذاشت. و امروز تهران این چنین از کم آبی، از بی درختی، از گرمای گشاده و طاقت فرسای تابستان، رنج می برد و وجود باغ های وسیع و متعدد سابق، نام خود را به سینه تاریخ سپرده است. نه تنها خود تهران جنبه بیلاقی داشته، بلکه حومه آن از سرسبزترین و پیر درخت ترین و باطراوت ترین مناطق بیلاقی بوده است، اما امروزه، وقتی شمابه (در بند) در دامنه البرز هم که می روید، در خانه های متر اکم آن نیز (کولر) مشاهده می کنید! که دلیل آن بسیار روشن است. هجوم مردم سراسر ایران به این شهر و سکنی گزیدن در آن باعث شده است که آن باغ های سرسبز قدیم به صورت خانه مسکونی درآید و نه تنها قنات های سابق بلکه همه آب هایی که به سوی این شهر سرازیر می شود کفاف تشنگی مردم آن را ندهد.

♦♦♦

تهران چه بوده و چه شده است؟

جواب این سؤال را اجمالاً می توانستیم چنین بیان کنیم که تهران در اصل، قریه ای بوده از قراة تابعه ری، پیش از آن هم طبق نظریه جغرافیدانان، در این منطقه جنگل های وسیع و انبوه وجود داشته، در حمله مغول شهر بزرگ ری صدمات بسیار دیده و مردم و سکنه آن حدود دویست نفر کشته شده اند.

تهران اولین بار در دوره صفویه و در عهد شاه طهماسب مورد توجه قرار گرفته به این علت که جد شاه طهماسب، یعنی امامزاده حمزه که در شهری مدفون است طبعاً مورد علاقه و احترام آن پادشاه بود و اغلب اوقات به زیارت این امامزاده می آمده و دوباره به قزوین پایتخت خود مراجعت می کرده است. شاه طهماسب فرمان داده با رویی دور تهران کشیدند و به عدد سوره های قرآن کریم، یکصد و چهارده برج در فواصل معین در این بارو تعبیه کردند و در هر برج یک سوره از قرآن را نیز دفن کردند و به علاوه به عدد چهارده معصوم چهارده دروازه هم در چهار جهت جغرافیایی یعنی مشرق، مغرب، شمال و جنوب ساختند و اطراف بارو هم خندق ایجاد کردند. برای ساخت همین باروها در داخل تهران، از دو محل خاکبرداری کردند که بعدها این دو محل یکی (چاله میدان) نام گرفت و دیگری (چاله حصار). دو محل مزبور، امروز همچنان از محلات قدیمی تهران است.

شاه عباس بزرگ در تهران یک باغ بزرگ ایجاد کرد و نامش را چهار باغ گذاشت. شاه سلیمان در آن باغ یک عمارت وسیع دایر کرد. در اواخر صفویه، طی ماجرای اشرف افغان در تهران یک (ارک) به وجود آمد. ارک را بدان سبب ساختند که از یک طرف پناهگاه خودشان باشد و از یک طرف متصل به صحرا تا در مواقع ضروری بتوانند به سهولت فرار کنند. صحرایی که پشت این ارک بود اکنون همان میدان سپه، معروف به توپخانه امروزی است. در دوره زندیه عمارات متعددی در ارک ساخته شد و دور آن هم خندق احداث کردند و در واقع قصبه تهران، صورت شهر به خود گرفت. ناگفته نماند که شاه عباس باطنایی میل نبود تهران را به صورت مطلوب توسعه دهد اما چون چندی در این شهر اقامت کرد و سخت بیمار شد و بیماری او هم طول کشید، از تهران رفت و از فکر توسعه

یکی از دیگری پرسید «قیمه» با چیست؟ گفت با قاف، رفیقش گفت اشتباه می کنی، قیمه با گوشت است و لپه و روغن غیر تقلبی. گاهی ملاحظه کرده اید مناظره ها و مباحثه هایی در می گیرید که فلان کلمه را چطور باید نوشت که غلط نباشد. راجع به کلمه تهران هم همین وضع اغلب پیش می آید. چندی قبل در محلی بین عده ای گفت و گو بود که تهران صحیح است یا طهران؟! ... رندی در آن میان وارد مباحثه شد و گفت آقا جان، می دانید که ریشه اسم گذاری تهران چیست؟ گفتند نه. گفت چون از قدیم ایلام پیش بینی می کرده اند که این شهر را مشکلات و کمبود های متعدد مواجه خواهد شد، با توجه به بهانه مشکلات، برایش اسم انتخاب کردند و آن مشکلات این است: ترافیک - هوای آلوده - راهبندان اتومبیل - نوسازی. و چون نمی شد بگویند «ترافیک هوای آلوده راهبندان اتومبیل، نوسازی» لذا حرف اول هر یک از این کلمات را انتخاب کردند و بهم چسباندند، شد «تهران» ... تهران، ترکیبی است از برخی شهر های بزرگ و عمده جهان، یعنی در هر گوشه و کنار آن، مظاهری از «هونک کنگ - نیویورک - لندن - توکیو - پاریس - رم و (قم) به چشم می خورد با این تفاوت که در آن شهرها رودخانه هم هست و در تهران نیست. شما وقتی کنجکواز خیابان تخت جمشید عبور می کنید، بر راستی خودتان را تقریباً در قسمتی از پاریس یا لندن می بینید، ولی به حدود میدان (پاق بوق) و (سرقبر آقا) که می روید تصور می کنید در یکی از شهر های کوچک و مهجور و دور افتاده عهد گذشته بسر می برید. و البته این مشکلی است که همه شهر های بزرگ جهان با آن روبه روهستند. تهران شهری است غرق در آهن و سیمان و پیولاد. غرق در ازدحام و تراکم و هیاهو، گاهی بخصوص صبح ها وقتی از بالای تپه ها و دامنه های البرز به تهران نظر می اندازید، ملاحظه می کنید روی تهران، یک قشر گرد و دود به دست طبیعت گذارده شده است ...

آدم گاه از خود می پرسد آیا این تهران در گذشته های دور جای زیبا و سرسبز و خرمی بوده است؟

به گذشته برگردیم و چند جمله ای از کتاب های قدیمی در وصف تهران بیاوریم:

■ از فارسانه، کتاب توصیفی و تحقیقی و جغرافیایی قرن پنجم هجری: «...

میوه های آنجا (شهری غیر از تهران) بغایت نیکوست خاصه آنرا آنکه مانند انار تهران است...»

■ از نزهة القلوب حمد الله مستوفی (نیمه اول قرن هشتم):

«تهران قصبه ایست معتبر و آب و هوایش خوشتر از ری و در حاصل مانند آن...»

■ از «معجم البلدان» تألیف «یاقوت» حموی مربوط به قرن هفتم:

«... طهران بکسر و سپس بسکون و آخر آن نون و این لغت عجیبی است و آنان آن را طهران (با ت) می گویند زیرا حرف (ط) در زبان آنان نیست. از قراء ری است. صادق اهل ری را گفت که طهران قریه بزرگی است که زیر زمین ساخته شده و راهی به هیچ یک از آنان نیست مگر بخواست خود آنان... طهران دارای باغ های زیادی است که به هم راه دارند و همین نیز اسباب حراست اهالی و دفع دشمن از ایشان است...»

■ از کتاب (آثار البلاد) که حدود هفتاد سال بعد از یاقوت نوشته شده و تألیف زکریا بن محمود بن محمد قزوینی است:

«... اهالی طهران خانه هایشان در زیر زمین است مانند لانه مورچه و هر وقت که دشمن به طرف آنها می آید، می روند در خانه های خود در زیر زمین مخفی می شوند و دشمن هم چند روزی آنها را محاصره می کند و می رود و اهل طهران از زیر زمین بیرون می آیند و بنای فساد و قتل و غارت و راهزنی می گذارند. طهران میوه های اعلای زیادی دارد مخصوصاً انارش که مثل آن در هیچ یک از شهر های دیگر نیست...»

و اما تهران از نظر نویسندگان و سیاحان خارجی:

■ از سفرنامه (کلاویخو) سفیر هانری سوم پادشاه کاستیل در سمرقند و دربار امیر تیمور گورکان که در ذیقعدة سال ۸۰۶ تهران را دید:

«... شهر تهران بزرگ است اما دیوار ندارد، جای بسیار دلگشا و خرمی است و همه چیز در آن فراوانست ولی بومیان آنجانی گویند آب و هوایش ناسازگار و تب در آنجا خیلی زیاد است...»

■ از سیاحت نامه (پیتر و دولاواله) مربوط به سال های ۱۰۲۸ تا ۱۰۲۹ هجری:

«... تهران دارای باغ های بزرگ است. در آنجا میوه زیاد و گوناگون به عمل می آید و در تمام کوچه های آن جوی آب روان است. تهران را به سبب زیادی درخت چنار باید چنارستان خواند اما از اینها گذشته تهران چیزی که قابل ذکر باشد ندارد. حتی یک عمارت هم ندارد...»



ویژه نامه روز
جهانی شهرها
آبان ۱۳۹۸

ایران